

گفت‌و‌گو با اردوان کامکار، نوازنده و آهنگساز

مافیای پخش نفس موسیقی را گرفته است



◀ عزت‌الله الوندی

–**اردوان کامکار بعد از سال‌ها چه مژه‌های برای‌علاقه‌مندانش‌دارد؟**

کار بسیار دارم. در زمینه‌هایی که شاید بشود اسمش را نوآوری و پیشرفت گذاشت بسیار کار کرده‌ام و آثار زیادی را در دست انتشار دارم؛ از موسیقی کم‌دی گرفته تا موسیقی‌هایی با کاربردهای دیگر.

–**موسیقی کم‌دی؟**

بله. به یاد دارم شبی به این فکر می‌کردم که در فرهنگ ما انواع موسیقی با کاربردهای متنوع وجود دارد. موسیقی برای کار، موسیقی برای سوگواری، موسیقی برای بزم و رزم و… سپس از خودم پرسیدم آیا می‌توانیم موسیقی‌ای برای خنده و کم‌دی هم داشته باشیم؟

–**و به چه نتیجه‌ای رسیدی؟**

به این نتیجه رسیدم که نشاط از مقوله‌ای طبیعی است و مسلماً برای خندیدن و نشاط هم می‌توانیم موسیقی داشته باشیم.

–**منظورم نتیجه عملی است…**

بله. من یکی از قطعات کلاسیک و مشخصاً کنسرتو ویولن شوستاکوویچ را انتخاب و با کمی تامل، قطعاتی را با آن به صورت کلاژ ترکیب کردم. نتیجه‌اش یک قطعه بود با مایه‌هایی از طنز که یکسری از نوازندگان محلی در کرمانشاه در آن دهل و سرنا می‌زدند. –**اصل مهم هماهنگی و به عبارتی تناسب را در آن رعایت کرده‌ای؟**

بله، حتماً. اصلاً چیز اضافه‌ای ندارد و در

عین حال برای شنونده نغمه‌ای غریب نیست.

من این قطعات متفاوت را با هم کلاژ کرده‌ام

و حتی نوازندگانی که به آنان اشاره کردم هم

از این قضیه خبر ندارند.

من با استفاده از اندیشه موسیقی ترکیبی، این قطعات را به هم چسبانده‌ام. می‌دانید که موسیقی کرد‌های کرمانشاه و موسیقی شوستاکوویچ ممکن است هیچ ربط معناداری با هم نداشته باشند. اما شما به عنوان شنونده آنها را به هم ربط می‌دهید. من یکسری کار دیدم در خیابان‌های لندن که همین گروه‌های کوچک روسی آن را اجرا می‌کردند. البته آنها در میان موسیقی‌شان دست به کارهای هجو هم می‌زدند. مثلاً با سازهایشان صداهای ناموزون درمی‌آوردند مثل صدای حیوانات. موسیقی‌شان را هر کس می‌شنید می‌خندید. اما این نوع که من تجربه کردم، آن گونه نیست بلکه نوعی موسیقی نشاط‌آور است. برادرم پیشهاد داد این قطعات را منتشر کنیم. حالا برمی‌گرم به پاسخ پرسش شما. به جز این اثر که درباره‌اش گفتم، کارهای دیگری هم دارم. قدرتمندترین کاری که در زمینه سنتور توانستم انجام بدهم، اثری است که از چهار سال پیش آن را آغاز کرده و به پایان رسانده‌ام. این کار به خواننده نیاز داشت. و من پس از چند بار تست کردن به این نتیجه رسیدم که با همایون شجریان کار را به سرانجام برسانم. البته هنوز به قطعیّت نرسیده‌ام اما کار کاملاً آماده است و تنها صدای خواننده را کم دارد. کارهای دیگری دارم که در زمینه قطعه‌سازی است. آقای هوشنگ کامکار، برادرم، از من خواست این قطعات را بسازم چون در اجراهای خارج از کشور برای تهیه‌کنندگان کنسرت و همین طور مخاطبان، قطعات لذت بیشتری به ارمغان می‌آورند؛ قطعاتی که برای یک ساز تنها در کنار یک ارکستر نوشته می‌شود.

–**مثل ماهی برای سالن نو؟**

بله. کنسرتو برای مثلاً سنتور. یعنی ساز ایرانی باشد اما تاکید و اضرائی بر محتوای ایرانی نباشد.

–**اینکه‌تناقض‌ ایجادمی‌کند…**

واقی آن‌دیشه موسیقی بین‌المللی داشته باشی، از موسیقی ایرانی هم می‌توانی موسیقی جهانی خلق کنی. من در این زمینه دو سه تا کار دارم. ماهی برای سال نو متعلق به زمانی بسیار دور است یعنی ۱۷، ۱۸ سالگی من. اما امروز دید من عوض شده و شاید بتوانم پخته‌تر از گذشته کار ارائه بدهم. از طرفی امکانات امروز برای ما بیشتر است.

– **کار مکتوب هم دارید؟ و بالاخره موسیقیدانی با خلاقیت و تجربه شما لایذ نظریه‌هایی درباره موسیقی یا دست‌کم ساز، تخصصی‌اش دارد.**

بله، از چند کتاب هم دارم که مراحل پاپانی را پشت سر می‌گذارد. کتاب‌هایی درباره سنتور یا قطعاتی برای سنتور که به زودی به انتشار می‌رسد.

– **الان تمرکز اردوان کامکار به عنوان آهنگساز و نوازنده سنتور روی چه کاری لست؟**

روی تمام کارهایی که گفتم تمرکز دارم.

اما دغدغه‌ام چیز دیگری است؛ دغدغه‌ای که شاید خیلی‌ها را از انجام کار هنری باز داشته یا در روند انجام کارهایشان تأخیر و تعلل ایجاد کرده است.

–**چه دغدغه‌ای؟**

من برای شما گفتم که مثلاً فلان کارم آماده است. مسترش ضبط شده و فقط صدای خواننده را کم دارد. یا فلان کار حتی آماده انتشار است اما… این اما به مافیایی به نام نشر و پخش موسیقی مربوط است. آنقدر اوضاع مشوش و خراب است که یک هنرمند باید به طرز فجیعی اثر خودش را ارزان بفروشد تا کارش را ببیند و بشنود. با صرف آن همه انرژی و کار طاقت‌فرسا و عرق‌ریزان روح، کوچک‌ترین نفعی عاید هنرمند نمی‌شود. آنچه از قبل اثر هنری و عرضه‌اش به بازار به دست می‌آید، عاید کسی می‌شود که سردسته این مافیاست. ممکن است برداشت مالی قابل توجهی این وسط اتفاق بیفتد اما مولف باید از خیر آن بگذرد. به همین راحتی. بعضی به این مساله تن می‌دهند برای اینکه اثر هنری یک زمان ارائه دارد که اگر از آن بگذری شاید دیگر دل و دماغ عرضه‌اش را بعدها نداشته باشی ولی من نمی‌توانم. من هنرم را ارزان نمی‌فروشم.

– **گروهی به بزرگی کامکارها چرا بعد از این همه سال نتوانسته است یک موسسه‌انتشاراتی راه بیندازد که در ضمن آموزش، برگزاری کنسرت و کارهای دیگر، کار نشر موسیقی هم انجام بدهد؟**

نفوذ در این باندها امکان‌پذیر نیست. اصلاً به درون خودشان کسی را راه نمی‌دهند. پدر

۳۰ سال پیش همین کار را می‌کرد. تا اوایل دهه ۷۰ هم همین کار را می‌کرد اما نتوانست در آنها نفوذ کند.

دقت کنید اگر کاری خارج از این باند بخواهد عرضه شود مطمئن باشید زمین می‌خورد. مرحوم بتهوون هم اگر نباید بگوید من سمفونی ۱۰ و ۱۱ را ساختم‌ا اینها را عرضه کن، بدون به توافق رسیدن با این باند نمی‌تواند بیشتر تا پیش را پیش کند.

باور نمی‌کنید؟ من تمام مسترها را می‌دهم به شما، شما ببرید پخش کنید.

– **در این همه سال و با این اتفاقاتی که در زمینه موسیقی پدید آورده‌اید، نتوانسته‌اید زبان تعامل با آنها را پیدا کنید؟**

چرا. اما همیشه سهم ما از هر اثر هنری یک به ۱۰ است. برای اولین بار است که این موضوع را مطرح می‌کنم. به جرات می‌توانم بگویم در تاریخ موسیقی ایران هیچ اثری نبوده که با محوریت یک ساز تنها، به اندازه آلبوم دریا فروش داشته باشد. اما این برای من مولف به چه دردی می‌خورد؟ کاری که زاینده باشد در درجه اول باید برای مولفش زاینده باشد نه برای واسطه‌ها.

– **دریا با چه تیراژی منتشر شده است؟ پرسش‌م را اصلاح می‌کنم. تا امروز چند تا از این اثر به فروش رفته است؟**

هنوز که هنوز است، یعنی بعد از ۲۵ سال وقتی می‌پرسم چند تا تیراژ داشته، می‌گویند ۴۰، ۵۰ هزار تا. خود من واسطه شدم تا یکی از شرکت‌های هوایی ۵۰ هزار نسخه خریداری کند تا first class خود به مسافران‌ش هدیه کند. همین الان هم هر قدر فروش داشته باشد، من مولف سهمی ندارم و نمی‌دانم پولی که از این راه حاصل می‌شود، به جیب چه کسی می‌رود. بنابراین اگر بخواهم کاری را منتشر کنم باید بگویم گل روی مردم. اما چند تا کار گل روی مردم؟ یکی؟ دوتا؟ ده تا؟ ۲۰ تا؟ ما ۵۰ تا کار منتشر کرده‌ایم گل روی مردم.

– **چه پیشنهادی داری برای اینکه حق مولف‌ا‌داشود؟**

پیشنهادم فقط یک کلمه است: انصاف. من حتی انصاف را در این می‌بینم که یک‌پنجم مولف و هنرمند سهم ببرند و چهارپنجم تهیه‌کننده و ناشر.

– **در کشورهای دیگر اما انگار این طور نیست. حق و حقوق کامل داده می‌شود؟**
بله، اما برخی هنرمندان که اطلاع دقیقی ندارند، گاه برایشان اتفاقاتی می‌افتد که بی‌انصافی از همه ویژگی‌هایش برجسته‌تر است. اینکه می‌گویم در مورد هنرمندانی صدق می‌کند که از قانون کشور میزبان‌شان اطلاعی ندارند.

– **مثالی هم می‌زنید؟**

بله، ما چند وقت پیش در یک کشور اروپایی برنامه اجرا کردیم. قرار شد حق و حقوق ما را پیش از پرواز بدهند. اما وقتی زمان‌شان رسید، مبلغی به ما دادند که ۳۰درصد مبلغ قرارداد بود. اعتراض هم حتی نکردیم. اما آنها توجیه کردند که مالیات در آن کشور ۷۰درصد درآمد است. اگر یکی از مدیرانی که با گروه ما در سفرهای خارجی همراهی و همکاری می‌کند، همراه ما نبود، شاید اعتراض هم نمی‌کردیم. چه برسد به دعوای حقوقی و شکایت. وقتی

سال پنجم ■ شماره ۱۱۸۵ ■ سه‌شنبه ۲۶ بهمن ۱۳۸۹

بیش از ۲۰ سال پیش که اردوان کامکار با اثر «دریا» درخشید، جوان پرشوری بود که ۱۷سالگی‌اش مصادف شده بود با اجرای یک شاهکار. اما او حالا یک نوازنده پخته است که در ۴۲سالگی می‌خواهد با شور و حال جوانی دوباره به روزهای گذشته بازگردد. او مثل تمام اعضای خانواده‌اش خلاق است و گاه یاعی. اردوان سنتورنوازی معاصر را وقتی به معاصرانش عرضه کرد که هنوز موسیقی بی‌کلام در میان عموم مردم جا نیفتاده بود. اما دریا که آمد خیلی معادله‌ها را به هم زد. خیلی‌ها فهمیدند با یک ساز و دو مضراب به چه جاهایی که نمی‌توان رفت! او هنوز هم مثل گذشته

صاف و ساده است. اردوان از آن موسیقیدانانی است که وقتی به او تلفن می‌زنی جواب تلفنت را می‌دهد. و حتی اگر نتواند جواب بدهد بعداً با تو تماس می‌گیرد. هنوز هم خیلی از خلاقیت‌هایش را رو نکرده و باید صبور بود و حوصله داشت تا کار تازه‌ای از او به بازار بیاید. خیلی‌ها اعتقاد دارند خلاقیتش در میان گروه و همکاری‌اش با خانواده تحلیل رفته است. اما خودش این اعتقاد را ندارد و حالا به کار هنری به چشم یک مبارزه نگاه می‌کند. معتقد است کار هنری یعنی جنگیدن با خیلی‌ی عوامل که جلوی کار هنرمند را می‌گیرد. تاکید می‌کند که مبارزه‌اش را بعد از سال‌ها سکوت آغاز کرده است.

◀



عکس: بهرزی حسینی

و تو اردوان کامکار. دلیلی برای انصراف وجود ندارد.

بله درست است من حتی در هتل واشنگتن لندن با افتخار گفتم که برای من موجب افتخار است که در کنار پاکودلوچیا بنشینم و ساز بزنم. اما یکی از دلایلش آن بود که متأسفانه همکاران ما اجرا و همین طور نفس کارشان بد بود.

از طرفی ذاکر حسین و پاکودلوچیا وقت و فرصت کمی برای این کار داشتند. من دوست نداشتم کنار پاکو بنشینم و مثلاً درآمد ابوعطا انرژی‌اش نباید صرف کارهای غیرهنری بشود. کارهایی مثل گرفتن مجوز اجرا، دوندگی برای دریافت ویزا، حرص خوردن به خاطر مواردی که صرفاً مربوط به امکانات اجرایی است، نه دغدغه‌های هنری.

– **در میانه این گفت‌وگو خیلی‌ی مایل‌ام درباره کارها و فعالیت‌های هنری امروزت برای ما بگویی. کارهایی که داغ داغ است و رنگ کهنگی نگرفته. چون احتمالاً با من موافقی که اثر هنری باید داغ داغ دست مردم برسد. پس درنگ جایز نیست و پیش به سوی ارائه آثار تازه‌تر. کار اگر با فاصله زمانی زیاد منتشر شود هنرمند را چندان ارضا نمی‌کند. برای اینکه ذوق و شوق هنرمند هم پس از آفرینش زیاد است.**

صد درصد. حتی قولش را می‌دهم که بهتر از آن را به علاقه‌مندان ارائه کنم. من افتخارم این است که نزدیک به ۶۰۰، ۷۰۰ شاگرد را تربیت کرده‌ام که می‌توانند در حد فوق‌العاده ساز بزنند.

این بالاخره کار هست یا نه؟ من هم با عشق و علاقه دارم این کار را می‌کنم. به آنها گفتم‌ام که تمام تکنیک و فوت و فن سنتور و سنتورنوازی را به شما آموختم‌ام. باید کارتان بهتر از من باشد وگرنه به شما اجازه نمی‌دهم از یک کیلوتری‌ام رد بشوید. گفتم‌ام باید بروید راه خودتان را پیدا کنید و چه بسا راه شما خیلی زیباتر از راه من باشد.

– **ببین اردوان عزیز زیر تیتیر کار «دریا»ی شما این بود: سنتورنوازی معاصر. وقتی صفت معاصر به آن می‌دهی، یعنی یک راهی است که با یک کار و دو کار تمام نمی‌شود. «ماه‌ی برای سال نو» آمد و بعد «بر فراز باد». اما بعدش عملاً تمام شد. چرا اردوان کامکار این راه را ادامه نداد؟**
دلیلش همین بحثی است که من با تو تا الان کشش داده‌ام. می‌دانی که جور اعتراض است به بی‌انصافی بازار. به سودجویی دلال‌ها. همین الان من چهار تا نوار تلوی گواشی موبایلم دارم که می‌توانی به عنوان یک اثر مستقل موسیقی به آن گوش بدهی و حتی احساس دل‌بستگی نسبت به آن پیدا کنی. اما با درست شدن اوضاع من هم می‌توانم کارهایی را که انجام داده‌ام منتشر کنم.

– **پس به نظر می‌رسد اردوان کامکار**



بابک ریاحی‌پور

به بهانه برپایی کنسرت بزرگداشت محمد نوری در تهران

اسطوره‌ها و موسیقی

اسطوره بودن یک موسیقیدان، معمولاً از جهت آثار ماندگار اوست؛ آثاری که در ذهن عده‌ای باقی می‌ماند و از او یک اسطوره می‌سازد. ما در مملکتی زندگی می‌کنیم که تعداد اسطوره‌هایمان در موسیقی اندک است. زنده‌یاد محمد نوری، از معدود اسطوره‌های موجه و مورد قبول طی سال‌های اخیر بود، در واقع او برای همه اهالی موسیقی یک اسطوره بوده و هنوز هم یک اسطوره است و من وقتی با ایشان افتخار همکاری پیدا کردم، دیدم اسطوره‌ها چقدر نازنین‌اند. استاد نوری شخصیت بسیار شوخ‌طبع و نازنینی داشتند.

ما در کنسرت اول استاد نوری که دی‌وی‌دی آن هم منتشر شده، با ایشان بودیم. باید بگویم بعد از گذشت ۱۰ سال از کنسرت مشترک با ایشان، هنوز جزء به جزء آن کنسرت در خاطرم هست و این اتفاق، کمتر برای یک نوازنده می‌افتد.

یکی از افتخارات من به عنوان نوازنده این است که روی سن، بغل دست استاد نوری ایستاده‌ام و نوازندگی کرده‌ام. این حرفی نیست که صرفاً الان بر زبان بیاورم؛ بلکه فکر می‌کنم ۱۰ و ۲۰ سال دیگر هم همین را خواهم گفت و به این همکاری افتخار خواهم کرد.

بعد از آن هم شاهد شکل‌گیری گروه کر نوری بودیم. من بعد از آن با این گروه همکاری‌ای نداشتم تا اینکه جشن خانه سینما برپا شد. در این زمان با این گروه کر همکاری‌ای داشتم که عالی بود. باید اعتراف کنم آقای شفق‌ی‌نژاد مدیر توانمندی است و گروه خوبی را دور هم جمع کرده است. به او هم خسته نباشید می‌گویم.

در حقیقت انگیزه مهم اعضای گروه کر برای خوب بودن این بود که نام محمد نوری را با خود پدک می‌کشید. نام آقای نوری قوت قلب بالایی برای خوانندگان و نوازندگان این گروه داشت.

این روزها شاهد راه‌اندازی نخستین جایزه موسیقی محمد نوری با عنوان «آواز با عشق» هستیم و قرار است این جایزه در رشته‌های ترانه‌سرایی و آهنگسازی اسفندماه برگزار شود.

اینجا از فرصت استفاده کرده و این نکته را مطرح می‌کنم که هدف این جایزه و جوایز مشابه آن چیست؟ اگر این جوایز یکی دو سال برپا شوند و بعد فراموش شوند، بهتر همان است که اصلاً برگزار نشوند. فکر می‌کنم در حال حاضر مهم‌تر از برپایی این جوایز، حمایت از گروه‌های موسیقی است.

گروه‌های زیادی بوده‌اند که جوایز بسیاری هم گرفته‌اند، اما این جوایز کوچک‌ترین کمک‌ی به حیات آنها نکرده؛ همچنان که خود من تا به حال چندین جایزه گرفته‌ام که هیچ یک کمک‌ی به من نکرده است. بهتر آن است که گروه‌ها حمایت شوند تا بتوانند کنسرت بگذارند.

درباره موسیقی پاپ هم باید بگویم اوضاع موسیقی پاپ خراب است. کارها تقلیدی شده و شاهد نوآوری در آنها نیستیم. در کارها نکات نوآورانه دیده نمی‌شود و به یک تعبیر، نوآوری تعطیل شده است.

◀ **کپی**

«لیان»تنها نماینده موسیقی نواحی در جشنواره موسیقی فجر

گروه موسیقی بوشهری لیان تنها گروه موسیقی نواحی ایران است که به بیست‌وششمین جشنواره فجر دعوت شده است.اعتبار و شیوه اجرای محسن شریفیان و گروه موسیقی لیان باعث شده است به‌رغم جدا شدن بخش موسیقی نواحی از جشنواره فجر این گروه همچنان برای مخاطبان خود در این جشنواره به اجرا بپردازد.

محسن شریفیان سرپرست گروه لیان درباره این اجرا گفت: این بار تصمیم داریم کنسرت گروه لیان را به شکل متفاوتی عرضه کنیم و هدف ما بیشتر پرداختن به موسیقی و حرکات آیینی رایج در بوشهر است. برای همین علاوه بر اعضای اصلی گروه لیان از دیگر هنرمندان بوشهری نیز برای تقویت حرکات آیینی استفاده خواهیم کرد.

وی ادامه داد: در این کنسرت آکا صفوی به عنوان خواننده، حسین سنگسر نوازنده دمام، مرتضی پالیزدان نوازنده ضرب و تمپو، حمید اکبری نوازنده تمپو، علی احمدی نوازنده دایره و سنج، علی ریاضی نوازنده دایره، علی حیدری نوازنده بوق شاخی، خدر عزیززاده نوازنده فلوت، احمد قربانی، هادی منوچهری، محمدرضا ددشتی، نیما نعمتی‌زاده و ماکان صغیری با اجرای پرله‌خوانی بوشهری، بنده را به عنوان نوازنده نی انبان همراهی خواهند کرد. این نوازنده نی انبان در خصوص قطعات اجرایی در این کنسرت اظهار داشت: در این اجرا که چهارم استفاده در تئاتر شهر برگزار می‌شود قطعاتی چون پنجه بنگی، نی مه، ناخدا، محله خمونی، چوبی، خیامی، دسمالی، بندر دورن، لبوا، یزله، عیش، پار و پیرار، بوق شاخی و افسون را اجرا خواهیم کرد.
بنابر این گزارش اعضای گروه لیان در یک قطعه بوشهری گروه موسیقی داکو‌رب را به سرپرستی همایون نصیری در روز دوم اسفند همراهی خواهند کرد. این برنامه در سالن برج میلاد برگزار می‌شود که علاوه بر خوانندگی حامد بهداد، محسن شریفیان نیز به عنوان نوازنده نی انبان و خواننده حضور خواهد داشت. گروه لیان در سال ۱۳۷۲ به سرپرستی محسن شریفیان فعالیت خود را آغاز کرده و در حال حاضر به عنوان یکی از مطرح‌ترین و باسابقه‌ترین گروه‌های موسیقی بومی ایران کرانامه قابل توجهی دارد.

از آثار صوتی این گروه می‌توان به آلبوم‌های لیانا، شب، بندری، موج، سیراف، محله خمونی، خیام‌خوانی، شروه‌خوانی و پار و پیرار اشاره کرد. همچنین از آثار مکتوب منتشرشده توسط این گروه نیز می‌توان به اهل زمین، موسیقی و اوهار و جزیره خارک، دلبر ناخوش، کتاب و سی‌دی اهل مانه، اوآها و آیین سوگواری در بوشهر، کتاب و سی‌دی مولتی‌مدیا اهل ساز و سازشناسی موسیقی بوشهر به پژوهش محسن شریفیان اشاره کرد که تاکنون پنج عنوان پژوهش برگزیده را کسب کرده است. از کنسرت‌های برون‌مرزی این گروه نیز می‌توان به اجراهای مختلف در جام جهانی آلمان ۲۰۰۶، المپیک پکن ۲۰۰۸،کسپو دانشگاهی ۲۰۱۰، اردن ۲۰۰۹، روسیه ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹، امارات متحده عربی۲۰۰۲، ۲۰۰۳ و ۲۰۰۷، عمان ۲۰۰۱ و ۲۰۰۴، کویت۲۰۰۴، قطر ۲۰۰۲، ۲۰۰۸ و ۲۰۱۰، ترکمنستان ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ و ۲۰۰۸، ترکیه ۲۰۰۳، بحرین ۲۰۰۳، سنگاپور ۲۰۰۵، مالزی و یونان ۲۰۱۰ اشاره کرد.

کنسرت آیینی گروه موسیقی لیان چهارم اسفند در سالن اصلی تئاتر شهر ساعت ۲۰ در بیست و ششمین جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر برگزار خواهد شد.

